



محصول ۲۷ سال آزادی!

- ✱ حملات همه جانبه مجلات پچادر سیاه!
- ✱ در این ۲۷ سال چه‌ها که نکردند؟
- ✱ اشتباهات بزرگ و بخشهای خارج از موضوع
- ✱ سران جمعیت‌های زنان چه خوابی دیده‌اند؟
- ✱ بخنداراه زندگی صحیح این نیست!

امسال هم مانند همه سال‌های ۱۷ دی روز کشف حجاب، گفتگوهای زیادی در جریان است. چشم می‌خورد که بر محور حقوق زن، آزادی زنان، شرکت بانوان در امور سیاسی، و حوادث ۱۷ دی و مانند آن دور می‌زد.

بعضی از نویسندگان برای اینکه ضمناً عکس العملی در برابر نهضت دسته جمعی مردم مسلمان ایران برای لغو تصویرنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی نشان دهند پر جوش‌تر از همه سال قلم‌فرسائی کردند؛ عده‌ای هم که دل‌پری از حوادث مزبور داشتند گویا بعضی ارباب جرائد را بروغن داغ کردن مطالب تشویق نمودند؛ بخصوص اینکه جشنهای معمول ۱۷ دی هم بعلتی که لابد خوانندگان گرامی کم و بیش شنیده‌اند تعطیل شده بود.

جمعیت‌های بانوان که تعداد آنها از «بیست» تجاوز می‌کند در حالی که تعداد مجموع نفرات آنها هم شاید خیلی بیش از این عدد نباشد نطقها و سخنرانیهای پر آب و تابی کردند و تا سر حد شمارهای «مرکب قانون!» و «ما مالیات نمی‌دهیم!» و امثال اینها مطلب را پیش بردند، مثل اینکه مالیات دادن مربوط باشغال کرسیهای مجلسین است در حالی که اگر چنین بود باید از مدتها پیش هیچکس

در این مملکت مالیات ندهد! چہ اینکہ مدتہاست مجلسی در کار نیست .

بہر حال در میان اینہمہ گفتگوہا ماہر چہ نگاہ کردیم مطلب تازه ای ، جزمہان مطالبی کہ ہر سال در این ایام مینویسند ؛ ندیدیم ؛ ولی بہر صورت نمیشود آنہمہ قلمفرسائیہا و نطقہای آتشین! را نادیدہ گرفت . لذا تصمیم گرفتیم پس از آنکہ آنہامہ مطالب خود را گفتند **یکجا بیاسخ آنہا بپردازیم** و اگر راستی حرف حسابی ہم در میان آنہا بود منصفانہ بپذیریم .

البتہ یک قسمت از این گفتگوہا بدو پیراہ و سخنان بی رویہ و بد گوئی بود کہ اصلاً قابل بحث نیست و چہ بہتر کہ دست نخورده بخودشان برگردانیم .

بحث ما در اینجا فقط در بارہ آن قسمت از استدلالات و گفتگوہائی است کہ ظاہراً جنبہ منطقی داشت و بعنوان دفاع از حقوق زن و در لباس دلسوزی از جمعیت زنان ایران ؛ ایراد شدہ بود .

ما صبر کردیم و کاملاً حوصلہ بخرج دادیم آنہا غمہ حرفہای خود را بزنند و سپس بتجزیہ و تحلیل منطقی آن بپردازیم ؛ چہ خوبست آنہامہ با حوصلہ سخنان ما را بخوانند و منصفانہ و دور از ہر گونه « تعصب و تقلید » قضاوت کنند ؛ و تنہا بانکہ ؛ دنیا چنین می پسندد ؛ دیگران چنین کردند ما ہم باید چنین کنیم ، چرخ زمان بچلو بیا بچلو با عقب بر نمیگردد . . قناعت نکنند و چنین فرض کنند کہ این نخستین مرتبہ ای است کہ با این سألہ روبرو شدہ اند و میخواہیم با در نظر گرفتن « مصالح جامعہ زنان » مطابق منطق و عقل در این بارہ تصمیم بگیریم .

بعقیدہ ما چند موضوع اساسی در اینجہ لازم است مورد توجہ قرار گیرد :

۱ - **حملہ بچادر سیاہ!**

بسیاری از نویسندگان لہ تیز حملات آتشین خود را متوجہ « چادر سیاہ » ؛ کردہ بودند و با تمام قوا برای دریدن این چادر تلاش و کوشش میکردند . و گاہی باز شدن درہای علم و دانش را بر وی زنان از آثار بر انداختن چادر سیاہ قلمداد مینمودند .

در حالیکہ گفتگوی از حجاب اسلامی نہ مربوط بچادر است ، ونہ سیاہ و سفید در اینجہ مطرح است . آنچه اسلام بان دستور دادہ اینست کہ زن بدن خود را « مستور » دارد ، تا اینہمہ بد بختی و آلودگی و جنایت کہ از آثار مستقیم و قطعی بدنہای نیمہ عریان و ہوس انگیز عدہ ای از زنان احتماع ما بوجود آمدہ و غالب خانوادہ ما آثار نکہت بار آنرا از نزدیک دیدہ اند بوجود نیاید .

حال این مستور بودن بدن زن بوسیلہ چادر باشد یا لباس دیگر ؟ سیاہ باشد یا سفید ؟

وانگہی برہنہ و نیمہ عریان بودن زن چہ ارتباطی ب علم و دانش دارد ؟ مگر زنان و دوشیزگان نمیتوانند با لباس و حجاب اسلامی بکسب علم و دانش و فضیلت بپردازند . این کتب تراجم و

شرح حال دانشمندان ماست که صدها نفر از بانوان دانشمند و تحصیل کرده و نویسنده و مؤلف کتابهای گوناگون بمانشان میدهد، که با داشتن حجاب اسلامی بتحصیل همه گونه کمالات و علوم پرداختند (۱)

این نهایت بی انصافی یا بی اطلاعی است که بگوئیم قبل از کشف حجاب زنان ما محروم از علم و دانش بودند، آری در آن زمان افراد تحصیل کرده و دانشمند نسبت باین زمان رویهمرفته کمتر بود، اختصاصی هم بزنان نداشت، بله؛ اگر بگوئیم کشف حجاب درهای «سایر مراکز» را بروی زنان گشود دروغ نگفته ایم؛ بنابراین باید يك خط سرخ روی تمام حملاتی که بچادرسیاه فرمودند و مطالبی که در اطراف رابطه «کشف حجاب» با «کشف علوم و دانشها» نوشتند، کشید.



۲ - محصول این ۲۷ سال چه بود؟

۲۷ سال است که از تاریخ کشف حجاب میگذرد و از آن تاریخ ببعده پای بانوان بتمام مجامع و مراکز (باستثناء مجلس شور او سنا) کشیده شد؛ اما شمارا بخدا؛ شمارا بوجدان و بهره چاه آن احترام میگذارید و در نظر تان مقدس است، بپائید منصفانه محصول این ۲۷ سال و با بقول بعضی محصول این «آزادی نیمه کاره» را ارزیابی کنیم تا برسیم با آزادی کامل و تمام عیار؛ من در اینجا چیزی نمیگویم فقط دو جمله از دو نفر از کسانی که در همین جرائد و مجلات امسال بحثهایی درباره حقوق زن کردند و در لابلای عباراتشان بحقایقی اعتراف نموده اند نقل میکنم:

یکی از دانشجویان دانشکده حقوق که در باره هفدهم دیماه اظهار نظرهائی کرده و برای مجله تهرانصور فرستاده در ضمن مطالب خود چنین مینویسد:

«در مدت ۴۰ سال جرائم زنها سر بفلک گذاشت، زندانها از زنان جنایتکار و نجیب خانهها از بی بند و باران فتنه گر پر شد، ولی بهرمان نسبت نه زنی به آزمایشگاه رفت و نه خانمی بدانشگاه»!... (۲)

يك بانوی خانه دار ضمن طرفداری از حقوق زنان و منافع آزادی آنها چنین مینویسد:

«در این بیست و چند سالی که از روز ۱۷ دی یعنی روز آزادی و نهضت بانوان ایران میگذرد اگر بخواهیم واقعا از روی اصول و حق پرستی و واقع بینی به جریان امور و اوضاع و احوال داخلی

۱- برای اطلاع بیشتر در این باره بکتاب «ریاحین الشریعه» مراجعه فرمائید.

(۲) تهرانصور شماره مخصوص زن ۱۴ دیماه ۴۱.

و معنوی خانواده‌ها بنگریم متأسفانه نه تنها ترقی و پیشرفتی حاصل نشده بلکه میتوان گفت که از این آزادی ظاهری سوء استفاده نیز شده است ، بهترین دلیل زیادی طلاق ، کمی ازدواج صحیح و سایر اخبار و حوادث مندرجه در مطبوعات کشور است ! (۱)

ملاحظه میکنید سوء تأثیر این آزادی بقدری روشن و آشکار است که حتی طرفداران آزادی کامل زنان هم نتوانسته‌اند آنرا انکار کنند ، کیست که نداند شهر تهران منبع الهام بخش این نوع آزادی ، پراست از سالنهای زیبایی ، آرایشگاههای گوناگون ، نمایشگاههای انواع مدها ، مراکز رقص ، کاباره‌ها و مراکز دیگری که از بردن نام آن معذوریم ، و ارتباطهای تلفنی و تلگرافی با «پاریس» و رفت و آمدهای پرمخارج برای کسب دستور در باره آخرین مدلباس و کفش و کلاه و جوراب و انگشتر و ... که نمونه‌ای از آنرا در همین شماره مجله ما در بخش بررسی مطبوعات مطالعه خواهید فرمود .

باز برای نمونه بدینست در همین مجلاتی که بنام همین بانوان انتشار مییابد و منعکس کننده طرز افکار و روحیات آنهاست و همه آنها پای آن سینه میزنند کمی دقت کنیم .

اگر اجازه بدهید یک مورد آنرا از نظر تان میگذرانم ، در همین مجله اطلاعات بانوان که از مدافعین سرسخت ۱۷ دی بشمار میرود تنها در یک شماره مقالات و بحثهای طولانی یا کوتاهی درباره «زیبائی و آرایش» بود که فهرست «عناوین» و تیترهای آن بحثها را ذیلا از نظر میگذرانیم :

- ۱ - مشکلات زیبایی .
 - ۲ - مدل آرایش گیسو برای دختران جوان !
 - ۳ - مدلهای جدید و زیبا برای آرایش شب و روز ، تازه ترین ابتکاراتی که دو آرایشگر معروف پاریس «الکساندر» و «آنتونی» اهدا کرده‌اند !
 - ۴ - غذاهائی که در زیبایی مؤثر است .
 - ۵ - کلید زیبایی
 - ۶ - از مشاوران زیبایی «آون» راجع بآرایش روز !!
 - ۷ - خانها و دگمه های سردست !
 - ۸ - سرمای زمستان دشمن زیبایی پوست شماست .
 - ۹ - زیباییهای خاور دور منبع الهام تازه برای «مد» و «سینما» . . .
- بدیهی است وجود یک اقلیت که دنبال این سروصداها نباشد اعمال آن اکثریت بی بند و بار را نمیتواند تصحیح کند

کتابخانه عمومی مکتب اسلام
قم - تاسیس ۱۳۴۳

اشتباه بزرگی که ممکن است در اینجا پیش بیاید اینست که تصور کنیم این وضع از خصایص کشورماست، در حالی که مطابقت آن با وضع ممالک متدین کنونی نشان میدهد وضع زنان در آن کشورها از جهاتی از ما بدتر است. حالا آقای رئیس دانشکده حقوق (بنقل جرائد) بگوید «کشف حجاب کشف اوهام بود»؛ مگر میتوان چهره حقایق را با اینگونه خیالات و حرفهای دوراز منطق پوشانید.

۳ - اشتباهات و بحثهای خارج از موضوع

بعضی از نویسندگان عمداً یا اشتهاً؛ برای خوش آیند بانوان یا اغفال آنها از اصل موضوع، پای مطالبی را بمیان میآورند که اسلام طرح نیست و احیاناً از هر نوع دروغ و تهمت ناروا و خلاف گوئی نیز پرهیز نمیکنند.

مینویسند: «در کشور ما زن از حقوق انسانی محروم است»؛ این مطلب را نه تنها افراد کم اطلاع میگویند بلکه بعضی از تحصیل کرده ها هم که برای خود ادعاهائی نیز دارند از این خلاف گوئیها خودداری نمیکنند.

مثلاً نویسنده «مکتوب» های معروف طریقی گفته جرائد در این باره چنین اظهار نظر کرده بود که: «مانند سایر ممالک و مساجد و مساجد حقان انسان او را در ردیف دیوانگان و اطفال و مجبورین قرار دهیم» !!

راستی تعجب آوراست؛ چه دروغی از این بزرگتر که کسی بگوید اگر زن در انتخابات شرکت نکند و مشغول وظایف طبیعی و اجتماعی خود باشد در ردیف دیوانگان خواهد بود، روی این حساب زنان «سویس» هم که در انتخابات شرکت نمیکنند لابد همه دیوانه اند!

کی گفته است زن انسان نیست و حقوق انسانی ندارد؟ آیا این توهین بیجا به زنان ما محسوب نمیشود؛ زن انسان است و انسان شریف و مفیدی و در پیشگاه خدا از نظر ارزش وجودی و فضیلت مردها هیچگونه امتیازی بر زنان ندارند.

زن قبل از آنکه مرد استقلال اقتصادی و حقوقی پیدا کند از این استقلال برخوردار نمیشود زیرا نمو و رشد در زنان سریعتر از مردان است و به همین جهت سن بلوغ زن از نظر «اسلام» پیش از مرد میباشد.

مرد هر قدر هم بزن نسبت نزدیک داشته باشد حق ندارد کوچکترین تصرفی در اموال زن بدون اجازه او کند، یا او را برخلاف میل مجبور بکاری حتی کار «خانه» بنماید، و بقدری از نظر اسلام حق زن محترم است که حتی میتواند در مقابل شیر دادن فرزند خود از شوهرش اجرت بگیرد!

احترام زن و مقام مادر بقدری است که مطابق بعضی اخبار بهشت زبیر پای مادران قرارداد شده است .

اگر مرد کوچکترین آزاری بزن خود برساند دیه‌های سنگینی که شرح آن در کتب فقهی اسلامی داده شده است باید باو بپردازد . در برابر این برنامه عالی همه‌جانبه اسلامی بحث از محدود ساختن ؛ وزندان، و قفس ؛ قرارداد زن در ردیف دیوانگان راستی شرم آور است . بحث فقط در یک مطلب است و آن اینکه اسلام میگوید همانطور که وظائف طبیعی زن (وظیفه مادری) فرق روشنی با وظائف مرد دارد بطوریکه هیچکدام نمیتوانند وظیفه دیگری را انجام دهند؛ وظائف اجتماعی آنها هم مختلف است ، زیرا سرچشمه وظائف اجتماعی طرز ساختمان طبیعی افراد است ، محال است دو موجود که از جهات طبیعی از فرق تا قدم متفاوت هستند وظائف اجتماعی یکسانی داشته باشند .



بنابراین بحث در اختلاف وظیفه است ؛ نه محدودیت وزندان ؛ بحث در اینست که این دو جنس باید مکمل وجود یکدیگر باشند و بکمک یکدیگر اجتماع سعادت‌مندی بسازند .

درست است کارهای اجتماعی مهم و حساس است ولی اداره یک خانه و تربیت یک عده فرزندان و مهیا ساختن این کانون مقدس برای یک زندگانی مرفه ؛ آنهم کار بسیار پر مشقتی است که به تنهایی تمام اوقات یک « خانم کدبانو، و یک «مادر مهربان» را اشغال میکند . ما که بچشم خود عواقب شوم بی‌اعتنائی بوظیفه سنگین مادری و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت درون خانه رامی بینیم چرا اصرار بدخالت زنان در تمام مشاغل اجتماعی و سیاسی دوش بدوش مردان داریم؟! چرا ؟

این درست نیست برای آزاد بودن زنی در خارج از خانه ؛ همیشه انسانی را بعنوان کلفت یا نوکر اسیر و برده ساخته و مسئولیت اداره امور خانه را بدوش او بیاندازند و خود آزاد باشند ؛ تازه نتیجه آنهم همان فجایعی است که بدست نوکرها و کلفت‌های این خانم‌های آزادیخواه بیار میآید و صفحات روزنامه‌ها را سیاه کرده است آیا اینست معنی انسانیت ؟

از همه بدتر گفتار کسانی است که میگویند: چه مانعی دارد زنان هر دو وظیفه را انجام دهند (وظائف اجتماعی و سیاسی و وظیفه خانه داری و مادری!) مگر مردها با آن زمختی میتوانند کارهای درون و بیرون خانه را هر دو انجام دهند که زنها بتوانند و این چه خیال خامی است ؟ اینها که میگویند زن باید دوش بدوش مرد در اجتماع حرکت کند وقتی میتوانند بمقصد خود جامعه عمل بپوشانند که مردها را هم وادار کنند دوش بدوش زنان در امر خانه‌داری و مادری

و تربیت فرزند شرکت جویند تازه يك هرج و مرج عجیب بوجود میآید .
 خلاصه پای زن را بشغلهای سیاسی و مشاغل اجتماعی کشیدن ظلم بزرگی بزین و فرزند و مایه
 بهم ریختگی و از هم پاشیدگی خانواده هاست که نمونه های فراوان آن در مورد زنانی که خارج از
 خانه کار میکنند همه جا چشم میخورد .



سران جمعیت های زنان چه خوابی دیده اند ؟

اینکه میگویند اگر زنهادر «انتخابات» شرکت نکنند حقوقشان پایمال میشود بسیار حرف
 نادرستی است: مگر زنان اجتماع ما از مایگانها اند ؟ مگر آنها مادران و خواهران و همسران
 ما نیستند ؟ کدام مرد با ایمان و با شرافتی حاضر میشود حقوق مادر و خواهر و همسر خود را
 پایمال کند ؟

آری باز شدن درهای مجلس بروی زنان فقط يك فایده دارد آن اینست که این چند تا خانم
 که فعلا پست ریاست جمعیت های بانوان را اشغال کرده اند و برای حمایت از حقوق حقه زنان ایران
 سینه سپر کرده و گریبان چاك زده اند با رزوی دیرینه خود میرسند و بر کرسی و کالت تکیه میزنند،
 آری فقط همین يك فایده ! ولی ما باینها توصیه میکنیم زیاد نگران نباشند مردان ما از این مجلس
 تا کنون خیری ندیده اند و در آینده هم معلوم نیست خیری ببینند تا چه رسد بزنان !



ما از تمام بانوانی که تحت تأثیر تبلیغات اینگونه اشخاص واقع شده اند خواهش میکنیم
 برای چند لحظه عقل را بر احساسات غلبه دهند . و عاقلانه و دور از هر گونه تعصب بروی این موضوعات
 بیاندیشند ، و سر نوشت خود را بدست اینگونه افراد ندهند و اساس سه دت خود و خانواده خود را
 متزلزل نسازند راه زندگی صحیح این نیست که بشما نشان میدهند .

گفتار سردبیر علمی مجله « نیوزویك » آمریکادر باره زنان آن کشور که در شماره « ۱۰ »
 نقل کردیم زنگ بیدار باشی برای عموم زنان ماست . او میگوید : **در حال حاضر زنان
 آمریکائی موجودات بدبختی هستند !** ..

این دور نمائی را که بعضی از جرائد در برابر چشمهای بانوان از زندگی يك زن در دنیای
 امروز ترسیم میکنند سرابی بیش نیست .

ما آنچه لازم بود گفتیم بقیه بسته بخواست خود آنهاست .